

# بررسی حقوق پدیدآوران



**دانشگاه قم**

**دانشکده الهیات و معارف اسلامی**

**پایان نامه دوره کارشناسی ارشد**

**رشته: فلسفه و کلام اسلامی**

**گرایش: فلسفه اسلامی**

**عنوان:**

# **تأثیر اندیشه های فلسفی امام خمینی (ره) بر اصول فقهی ایشان**

**استاد راهنما: دکتر احمد عابدی**

**نگارنده: سعید توکلی زاده**

**زمستان ۱۳۹۳**

**تقدیم به کسی که وسیله حیاتم شد و با فداکاری اش مجسمه ایثار گردید.**

**این سیاهه را به مادرم هدیه می کنم؛ هرچند می دانم به اندازه زحمت یک شب او نخواهد شد.**

**با سپاس از درگاه ایزد منان ، و با تشکر از زحمات همه کسانی که در رشد علمی حقیر  
نقش بسزایی داشتند .**

**و با قدردانی از لطف و عنایت استاد بزرگوار جناب دکتر احمد عابدی زید عزه که راهنمایم  
در این نوشته بودند.**

**و از همسر م که مرا در مدت نوشتن ، یاری کرد کمال تشکر را دارم.**

## چکیده

ارتباط علوم با یکدیگر امری اجتناب‌ناپذیر است.

مهم، میزان دخالت یک علم در علمی دیگر می‌باشد. شاید عجیب‌ترین ارتباط، تأثیر فلسفه بر اصول باشد. چون که فلسفه، عقلی محض است و اصول، علمی عقلایی و عرفی است.

حضرت امام خمینی (قدس سره) هر چند پایه و اصل اصول فقه خود را عرف قرار می‌دهند و از دخالت دادن مسائل عقلی در علوم عقلایی سخت اجتناب می‌کنند لیکن مواردی در آثار این اعجوبه اعصار یافت می‌شود که شاید در کلمات بزرگترین فلاسفه هم پیدا نشود.

انسان، متحیر می‌شود از کسی که در یک صفحه، حرفی به شدت عرفی زده است که گویا آدمی خیال می‌کند گوینده این حرف، فقط در مردم و بازار بوده است. سپس در صفحه بعد چنان فلسفی صحبت می‌کنند که تو گویی اسفار را مطالعه می‌کنی!

هر چند بیشتر این دُرافشانی‌های فلسفی، جنبه توضیحی از یک قاعده و بیان این مطلب است که نباید فلسفه را در اصول دخالت داد اما مواردی هم هست که حضرت‌تش با فلسفه به مطالبی رسیده‌اند.

"قاعده الواحد، الماهیه من حیث هی لیست الّا هی" از نمونه‌های صورت اول و "استصحاب زمان و اراده" از جمله مثالهای صورت دوم هست.

**کلیدواژه: تأثیر، فلسفه، اصول فقه، امام خمینی.**

## فهرست مطالب

فصل اول: کلیات	۱
مقدمه:	۲
۱-۱ تبیین مسأله	۴
۲-۱- ضرورت انجام تحقیق	۴
۳-۱. سوالات تحقیق	۵
۴-۱- فرضیات تحقیق	۵
۵-۱- ارزیابی منابع	۵
۱-۵-۱ اصول	۵
۱-۵-۲- فلسفه	۶
۶-۱- پیشینه و سابقه علمی تحقیق	۶
۷-۱- ساختار و روش انجام تحقیق	۷
۸-۱- توضیحی پیرامون مفاهیم و واژگان کلیدی	۸
۱-۸-۱- تاثیر	۸
۱-۸-۲- فلسفه	۸
۱-۸-۳- اصول	۸
۱-۸-۴- امام خمینی (قدس سره)	۸
۱-۸-۴-۱- زندگینامه	۸
۱-۸-۴-۲- اساتید	۱۰
۱-۸-۴-۳- شاگردان	۱۰

- ۱-۸-۴ آثار ..... ۱۰
- فصل دوم مدرسه فلسفی و اصولی امام خمینی (قدس سره) ..... ۱۲
- ۱-۲- مدرسه فلسفی ..... ۱۳
- ۲-۲- مدرسه اصولی ..... ۱۷
- فصل سوم: بحرین يلتقيان ( مواردی از تلاقی فلسفه با اصول فقه ) ..... ۲۳
- ۱-۳ اراده ..... ۲۴
- ۱-۱-۳ فلسفه ..... ۲۴
- ۲-۱-۳ اصول ..... ۲۵
- ۱-۲-۱-۳ تداخل اسباب و مسببات ..... ۲۵
- ۲-۲-۱-۳ مقدمه حرام ..... ۲۷
- ۲-۳ الماهية من حيث هي ليست آلهي ..... ۲۹
- ۱-۲-۳ فلسفه ..... ۲۹
- ۲-۲-۳ اصول ..... ۳۰
- ۱-۲-۲-۳ اجتماع امر و نهي دريك چيز ..... ۳۰
- ۳-۳ تناقض ..... ۳۶
- ۱-۳-۳ فلسفه ..... ۳۶
- ۲-۳-۳ اصول ..... ۳۷
- ۱-۲-۳-۳ مقدمه واجب ..... ۳۷
- ۲-۲-۳-۳ استیلاء دو دست بر يك شي ..... ۴۲
- ۴-۳ الواحد ..... ۴۴

- ۳-۴-۱ فلسفه ..... ۴۴
- ۳-۴-۱-۱ تبیین قاعده الواحد ..... ۴۴
- ۳-۴-۱-۲ استدلال بر قاعده ..... ۴۵
- برهان اول : ..... ۴۵
- مقدمه اول ..... ۴۵
- مقدمه دوم ..... ۴۵
- نتیجه ..... ۴۵
- برهان دوم ..... ۴۶
- ۳-۴-۲ اصول ..... ۵۲
- مقدمه : ..... ۵۲
- ۳-۴-۲-۱ تمایز علوم ..... ۵۳
- ۳-۴-۲-۲ جامع در بحث صحیح و اعم ..... ۵۶
- ۳-۴-۲-۳ حقیقت واجب تخییری ..... ۵۷
- ۳-۴-۲-۴ استعمال لفظ در بیشتر از یک معنی ..... ۵۸
- ۳-۵ تضاد ..... ۶۱
- ۳-۵-۱ فلسفه ..... ۶۱
- ۳-۵-۲ اصول ..... ۶۲
- ۳-۵-۲-۱ عدم تضاد بین احکام پنج گانه ..... ۶۲
- ۳-۵-۲-۲ امر به یک چیز مقتضی نهی از ضد آن هست؟ ..... ۶۴
- ۳-۶ نسبت در قضایا ..... ۶۶



۶۶..... ۱-۶-۳ فلسفه

۶۹..... ۲-۶-۳ اصول

۶۹..... ۱- ۲-۶-۳ عدم جریان استصحاب عدم ازلی

۷۰..... الف: اصل عدم تذکیه

۷۱..... ۲- ۲-۶-۳ استصحاب عدم قرشیت

۷۳..... دو نکته:

۷۴..... نتیجه:

۷۶..... ۷-۳ حرکت و زمان

۷۶..... ۱-۷-۳ فلسفه

۷۶..... ۱- ۱-۷-۳ تاریخچه

۷۷..... ۲- ۱-۷-۳ مفهوم شناسی

۷۹..... ۳- ۱-۷-۳ تقسیمات حرکت

۷۹..... حرکت متوسطیه و قطعیه

۸۲..... ۴- ۱-۷-۳ زمان

۸۳..... ۲-۷-۳ اصول

۸۳..... ۱- ۲-۷-۳ استصحاب زمان و زمانی

۸۳..... مقدمه:

۸۷..... از دیدگاه عقل

۸۸..... از دیدگاه عرف

۸۹..... فصل چهارم : نتیجه گیری و بررسی فرضیه ها

مقدمه .....	۹۰
۱-۴ فرضیه اول .....	۹۰
۲-۴ فرضیه دوم: .....	۹۴
۳-۴ فرضیه سوم: .....	۹۴
۴-۴ پیشنهاد ها .....	۹۵

# فصل اول

## کلیات

## مقدمه:

هر علم اگر چه به خاطر اهداف و اغراض خاصی، یک سری مسائل را شامل می شود و در حیطه آن مسائل که غرض آن علم را به دنبال می آورند، گشت و گذار دارد، لکن ارتباط علوم با یکدیگر و تأثیر و تأثری بین آنها امری است وجدانی و غیر قابل انکار.

معمولاً اصول موضوعیه هر علمی در علم دیگر نیز مورد استفاده قرار می گیرد. یعنی اگر غرض یک علم از راه مساله ای که موطن و جایگاهش علم دیگری باشد، تأمین گردد، آن مساله در این علم هم مورد بهره برداری قرار می گیرد.

البته معلوم است که کسی چنین خیالی در ذهن نمی پروراند که اگر یک مساله در چند علم مورد استفاده قرار گرفت، چه نیازی به تکرار مساله است؟ و اصلاً چه تمایزی بین علوم هست؟ زیرا هر چند یک مساله در دو علم، به کار برده شده است اما هدف های به کار گیری این مساله در دو علم با هم فرق دارد.

برای روشن تر شدن مطلب، علم اصول را مورد واکاوی قرار می دهیم.

مسائلی که در علم اصول مورد بحث قرار می گیرد چند نوع هستند.

الف: مباحث الفاظ؛ نظیر: وضع، اقسام وضع، حقیقت و مجاز، منقول، مشترک و مدلول الفاظ عموم و...

ب: مباحث استلزامات؛ مانند: وجوب مقدمه، مبحث ضد، اجتماع امر و نهی، مفاهیم و.. که این نوع مباحث، ترکیبی از لفظ و حکم عقل است ولی در علم اصول، جنبه عقلی آن مطرح است.

ج: مسائل عقلانی؛ نظیر: حجیت ظهورات، حجیت خبر ثقه.

د: اصول عملیه؛ - از این قسم، ادله سمعیه نیز تعبیر می گردد - مانند: استصحاب، اصل برائت.

ه: تعارض ادله.

قسمت اول، بحثی ادبی است و دو قسم بعدی، عقلی و عقلانی است و دو قسم بعد هم در قسمت هایی از آن عقل حاکم است - مانند براءت عقلی و تساقط متعارضین . یعنی علم اصول علمی است که از سایر علوم وام دار است. ولی در عین حال نمی شود گفت که این علم، مستقل نیست و کشکول است چرا که تمایز علوم به اختلاف اهداف و اغراض است. یعنی غرضی که مثلا عالم نحوی از حقیقت و مجاز دارد با غرضی که یک اصولی از همین بحث دارد فرق زیاد دارد. عالم اصولی تا وقتی که یک مسأله بدرد کارش که همان رسیدن به حکم شرعی است، نخورد آن مسأله را درون علمش قرار نمی دهد.<sup>۱</sup>

و مثال دیگر علم فیزیک و زیست شناسی است که هر دو در مورد طبیعت و جانداران بحث می کنند ولی به خاطر اغراضی که هر یک دنبال می کنند موجب تدوین این علوم شده است.

نتیجه بحث تا این جا این شد که اصول موضوعه هر علم در علم دیگر هم مورد استفاده قرار می گیرد و این مطلب ربطی به اتحاد و افتراق علوم ندارد.

هدف ما در این مقوله ، ارتباط یک سویه علم فلسفه با اصول فقه است. یعنی در این زمینه بحث می کنیم که آیا فلسفه بر اصول فقه تاثیر داشته است یا نه؟ به عبارت دیگر چه اصول موضوعه ای از فلسفه در اصول به کار برده شده است؟ و اساسا آیا چنین بهره برداری صحیح هست؟

البته به علت گستردگی بحث، ما فقط در رابطه با آثار یکی از بزرگترین فیلسوفان و فقیهان عصر یعنی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (قدس سره) به کنکاش می پردازیم.

ارتباطی که فعلا مورد بحث ماست چیزی فراتر است از این مسأله که همه علوم راجع به موضوعاتشان نیاز به فلسفه دارند<sup>۲</sup> - چرا که ثبوت موضوع هر علم فقط در فلسفه اثبات می شود زیرا موضوع فلسفه، وجود است - به این خاطر که این بحث یعنی نیاز علوم در اثبات موضوعاتش به فلسفه ربطی به هدف اصولی ندارد علاوه اینکه مخصوص علم اصول هم نیست.

۱. ر.ک: ابو القاسم ، گرجی ، **تاریخ فقه و فقهها** ، چاپ سوم، تهران ، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) ، ۱۴۲۱ ق ، صص ۳۱۱ - ۳۱۳.

۲. محمد حسین ، طباطبایی ، **نهاية الحكمة** ، چاپ چهارم ، قم ، دفتر انتشارات اسلامی ، ۱۴۲۸ ق ، ج ۱ ، ص ۱۱.

## ۱-۱ تبیین مسأله

فلسفه بالمعنی الأخصّ یکی از علومی است که کاملاً عقلی می باشد بدین معنی که حتی در قسمت اسلامی و حکمت متعالیه اش هم از وجود بهترین و متقن ترین دلیل شرعی یعنی نصّ قرآن بی بهره است. و لذا حتّی اگر یک حکیم، آیه و یا روایتی هر چند قطعیّ الدلالة و السند را در بحث خود آورد از تأیید فراتر نرفته و به برهان و دلیل نمی رسد.

در این علم کاری با عرف و حتی بناء عقلاء هم ندارند. عقلی محض است. و چون با حقایق عالم سر و کار دارد با الفاظ و قواعد ادبی هم بی گانه است.

اما عالم اصولی، هدفش رسیدن به حکم شرعی است. و هر چیزی را که فی الجمله بتواند کبری حکم شرعی قرار دهد، استفاده می کند. البته این بهره گیری یله و رها نیست و منوط به شرائطی است که بعداً به مناسبت، برخی از آنها را ذکر می کنیم.

لذا شما می بینید که یک عالم اصولی از یک حدیث یک خطی، به مقتضای قواعد ادبی و نحوی و عقلی و عرفی، چندین مساله را خوشه چینی می کند.

صحبت در این است که قواعد فلسفی هم حتّی به صورت محدود می تواند مورد استفاده اصولی قرار گیرد.

نظر به اینکه برخورد علمای علم اصول در این رابطه متفاوت است ما این تأثیر را در نوشته ها و آثار امام خمینی مورد بررسی قرار داده ایم.

## ۱-۲- ضرورت انجام تحقیق

معمولاً وقتی برخی از علمای علم اصول یک قاعده فلسفی مانند "قاعده الواحد" و یا "بطلان جزء لایتجزاً" را در کتاب خود می آورد برخی دیگر به او چنین اعتراضی می کنند که: « این قاعده فلسفی است و ربطی به اصول ندارد » و از طرف دیگر گاه همین فردِ مستشکل، یک قاعده دیگر فلسفی مثلاً تناقض را در آثار خود آورده و بدان تمسک می کند. لذا حداقل مناسب بدیدیم در آثار امام خمینی (قدس سره) این بحث را فیصله دهیم و ان شاء الله به کمک حضرت معصومین (علیهم السلام) بتوانیم موارد استفاده و

یا عدم آن را در کلمات حضرت امام روح الله (قدس سره) بررسی کنیم.

کار، وقتی سخت و مهم می شود که در این رابطه بحث مستقلی نشده است.

### ۱-۳. سوالات تحقیق

۱. مدرسه اصولی و فلسفی امام خمینی (قدس سره) چگونه است؟

۲. آیا فلسفه در آثار امام خمینی (قدس سره) تأثیر داشته و یا خیر؟ و اگر تأثیر داشته در همه جا بوده یا نه؟

۳. در صورت اثرگذاری فلسفه بر اصول امام خمینی قدس سره، آیا به نحو تأسیس یک مبنا بوده است و یا رد کردن یک مبنا؟

۴. مواردی که می شود بحث کرد کدام هست؟

### ۱-۴- فرضیات تحقیق

۱. امام خمینی (قدس سره) بنای اصول خود را عرف می گذارند و هر مسأله مادامی که عرفی نشود نمی پذیرند. در فلسفه هم مفسر مکتب صدرا می باشند.

۲. اثرگذاری فلسفه در اصول حضرت امام (قدس سره) فقط در برخی موارد بوده است. یعنی به این نحو نیست که ایشان از فلسفه در همه اصولشان استفاده کند.

۳. نحوه به کارگیری از فلسفه در بعضی از قسمت ها به عنوان دلیل بوده و در موارد دیگر - که اتفاقاً بیشتر هم هست - در رد کردن دلیل دیگران بوده است.

### ۱-۵- ارزیابی منابع

#### ۱-۵-۱ اصول

از آثار اصولی امام خمینی (قدس سره) کتابهای: *انوار الهدایه*، *مناهج الوصول*، *رساله طلب و اراده*، *رسائل العشره*، *استصحاب* استفاده شد است. همچنین از تقریرات شاگردان ایشان مانند: *جواهر الاصول*

تألیف آیت الله لنگرودی (قدس سره) ، و تنقیح الاصول آیت الله تقوی اشتهاردی (قدس سره) و معتمد الاصول آیت الله فاضل لنکرانی (قدس سره) و تهذیب الاصول ، نوشته شده آیت الله سبحانی (زید عزه) بهره فراوان برده شده است.

از تالیفات دیگر بزرگان اصول آنچه بیشتر مورد نظر بودند کتابهای : *فرائد الاصول* شیخ انصاری (قدس سره) ، *کفایه الاصول* ، تالیف آخوند خراسانی (قدس سره) ، *نهایه الدرایه* آیت الله غروی اصفهانی (قدس سره) ، *فوائد الاصول* میرزای نائینی (قدس سره) ، *اصول الفقه* مرحوم مظفر و... مورد بهره برداری قرار گرفتند.

البته منابع اصولی که در جای جای این پایان نامه مورد استفاده قرار گرفتند فراوان هستند و ما فقط موارد اهم را ذکر نمودیم.

#### ۱-۵-۲- فلسفه

در این قسمت *تقریرات فلسفه امام خمینی* (قدس سره) ، *نهایه الحکمه* علامه طباطبایی (قدس سره) ، همراه با تعلیقه آقای زارعی سبزواری (حفظه الله تعالی) ، *الحکمه المتعالیه* تالیف ملاصدرا (قدس سره) و شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری (قدس سره) ، منبع ما در این رابطه بوده اند.

هر چند در برخی قسمتها آثاری همچون *درآمدی بر نظام حکمت صدرایی* تالیف عبد الرسول عبودیت (حفظه الله تعالی) ، *قواعد کلی فلسفی* اثر گرانمایه، دکتر غلامحسین ابراهیم دینانی (حفظه الله تعالی) و دیگر حکما مورد مطالعه قرار گرفتند.

خداوند تبارک و تعالی مؤلفانی که به سوی ابدیت پرواز کرده‌اند غریق دریای رحمت خود گرداند و بزرگانی که در قید حیات هستند طول عمر با عزت عطا فرماید.

#### ۱-۶ پیشینه و سابقه علمی تحقیق

متأسفانه در این رابطه نه تنها در مورد آثار امام خمینی (قدس سره) بلکه طبق تحقیقی که حقیر کردم حتی در مورد مطلق ارتباط فلسفه با اصول ، بحثی جامع و مفصل نشده است.

جای اشاره هست که آثاری نظیر "پیش فرض های فلسفی در علم اصول" و "نقش زمان و مکان



در موضوعات احکام " و " اندیشه های اخلاقی و عرفانی امام خمینی (قدّس سرّه) " و " در آمدی بر مبانی آثار و اندیشه های امام خمینی (قدّس سرّه) " وجود دارند ولی به صورت تفصیل وارد بحث نشده اند. شکر الله مساعیهم!

راجع به ارتباط فیزیک و فلسفه، عرفان و فلسفه بحثهایی شده است اما در مورد ارتباط فلسفه و اصول احتمالاً بحثی نشده است.

البته در خصوص فلسفه امام خمینی (قدّس سرّه) آثاری گرانمایه هر چند اندک منتشر شده است که شاید یکی از بهترین نوشته ها در این زمینه، مقاله ای ارزشمند از استاد عزیز جناب دکتر احمد عابدی (زید عزه) تحت عنوان «بررسی آرای فلسفی امام خمینی» می باشد.

همچنین در رابطه با مبانی حضرت امام در علم اصول، هم تألیفات وزینی به رشته تحریر درآمده که تقریرات شاگردان ایشان، منبعی غنی در این رابطه هست. کتاب *جواهر الاصول*، تقریر آیت الله لنگرودی (قدّس سرّه) و *تنقیح الاصول* تقریر آیت الله تقوی اشتهاردی (قدّس سرّه) بهترین نمونه در این زمینه هستند.

## ۱-۷ ساختار و روش انجام تحقیق

در این نوشتار به روش تحلیلی - توصیفی سعی شده است به تأثیر فلسفه در آثار اصولی امام خمینی (قدّس سرّه) پرداخته شود. در فصل دوم این سیاهه به دید فلسفی و اصولی ایشان پرداختیم. و در فصل سوم که مهمترین و مفصل ترین بخش این پایان نامه هست، چند موردی را که هم در فلسفه و هم در اصول مورد استفاده قرار گرفته است، بررسی کرده ایم که به نظر حضرت امام (قدّس سرّه) آیا این به کارگیری صحیح است یا نه؟

ما در ذیل هر قسمت ابتدا توضیحی فلسفی از مورد داده ایم و بعد به موضوعی که در اصول پیاده شده است پرداخته ایم و در آخر نظر حضرت امام (قدّس سرّه) را نقل کرده ایم.

فصل چهارم هم به نتیجه گیری و بررسی فرضیه ها قلم زده شده است.

## ۸-۱ توضیحی پیرامون مفاهیم و واژگان کلیدی

### ۱-۸-۱-۱ تأثیر

منظور ما در این نوشتار از این کلمه، مطلق اثر پذیرِ جنبه اصولی حضرت امام (قدس سره) از جنبه فلسفی ایشان است؛ یعنی مراد ما این نبوده که فقط مواردی را که اثری مثبت داشته است - به این معنی که ایشان به کارگیری فلسفه در این مورد اصولی را قبول کرده اند - جمع آوری کنیم. بلکه تأثیرپذیری منفی - یعنی استفاده فلسفی در ردّ یک مبنا - هم محطّ نظر این نوشته بوده است. به عبارت دیگر گاهی حضرت امام (قدس سره) از راه برهان عقلی و توضیح فلسفی به مطلبی می رسند و گاهی با تبیین فلسفی در مقابل مستدلّ به عقل حرفی را ردّ می کنند و خودشان بوسیله عرف مطلب را در اصول حلّ می کنند.

### ۱-۸-۲-۱ فلسفه

معنایی که از این لفظ اراده شده فلسفه بالمعنی الأخصّ و فلسفه اولی است. و در حقیقت، دلیل عقلی محض مراد است.

### ۱-۸-۳-۱ اصول

منظور از اصول، همان علم اصول فقه است که یکی از مبانی و مقدمات علم فقه است. البته در موارد اندکی هم خود فقه، مثال زده شده است.

### ۱-۸-۴-۱ امام خمینی (قدس سره)<sup>۱</sup>

### ۱-۸-۴-۱-۱ زندگی نامه

در روز بیستم جمادی الثانی ۱۳۲۰ هجری قمری مطابق با اول مهر ۱۲۸۱ هجری شمسی (۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲ میلادی) در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی ایران در خانواده‌ای اهل علم و هجرت و جهاد و در خاندانی از سلاله زهرای اطهر - سلام الله علیها - روح الله الموسوی الخمینی پای بر خاکدان طبیعت نهاد.

<sup>۱</sup> در این قسمت از این آثار استفاده شده است:

بی نا، *مقدمه تقریرات فلسفه*، چاپ دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۵ش، ص ۱۲.

بی نا، *مقدمه مکاسب محرّمه*، چاپ دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۵ش، ص ۶.

"حدیث بیداری" نرم افزار مجموعه آثار حضرت امام خمینی (ره)، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، آذر ماه ۱۳۹۰.

حضرت امام از سنین کودکی و نوجوانی با بهره‌گیری از هوشی سرشار، قسمتی از معارف متداول روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های دینی، از آن جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول را نزد معلمین و علمای منطقه (نظیر آقا میرزا محمود افتخار العلماء، مرحوم میرزا رضا نجفی خمینی، مرحوم آقا شیخ علی محمد بروجردی، مرحوم آقا شیخ محمد گلپایگانی و مرحوم آقا عباس اراکی و بیش از همه نزد برادر بزرگش آیت الله سید مرتضی پسندیده) فراگرفت و در سال ۱۲۹۸ ه. ش. عازم حوزه علمیه اراک شد.

اندکی پس از هجرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی قدس سره (نوروز ۱۳۰۱ هجری شمسی، مطابق با رجب المرجب ۱۳۴۰ هجری قمری) امام خمینی (قدس سره) نیز رهسپار حوزه علمیه قم گردید و به سرعت مراحل تحصیلات تکمیلی علوم حوزوی را نزد اساتید حوزه قم طی کرد، که می‌توان از فراگرفتن تتمه مباحث کتاب مطول (در علم معانی و بیان) نزد مرحوم آقا میرزا محمد علی ادیب تهرانی و تکمیل دروس سطح نزد مرحوم آیت الله سید محمد تقی خوانساری، و بیشتر نزد مرحوم آیت الله سید علی یشری کاشانی و دروس خارج فقه و اصول نزد زعیم حوزه قم آیت الله العظمی حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی - رضوان الله علیهم - نام برد.

روح حساس و جستجوگر امام خمینی باعث می‌شد تا ایشان تنها به ادبیات عرب و دروس فقه و اصول بسنده نکند و به دیگر رشته‌های علمی نیز علاقه‌مندانه روی آورد. از این رو همزمان با فراگیری فقه و اصول نزد فقها و مجتهدین وقت به فراگیری ریاضیات و هیئت و فلسفه نزد مرحوم حاج سید ابو الحسن رفیعی قزوینی و ادامه همین دروس به اضافه علوم معنوی و عرفانی نزد مرحوم آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی و عروض و قوافی و فلسفه اسلامی و فلسفه غرب نزد مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجدشاهی اصفهانی و عالیترین سطوح عرفان نظری و عملی را به مدت شش سال نزد مرحوم آیت الله آقا میرزا محمد علی شاه‌آبادی - اعلی الله مقاماتهم - بردارد. امام خمینی با آیت الله حاج میرزا جواد ملکی تبریزی نیز مأنوس بود و از ایشان به نیکی یاد می‌کرد. حضرت امام طی سالهای طولانی در حوزه علمیه قم به تدریس چندین دوره فقه، اصول، فلسفه و عرفان و اخلاق اسلامی در مدرسه فیضیه، مسجد اعظم، مسجد محمدیه، مدرسه حاج ملا صادق، مسجد سلماسی و ... همت گماشت و در حوزه علمیه نجف نیز قریب سیزده سال در مسجد شیخ اعظم انصاری (ره) معارف اهل بیت و فقه را در عالیترین سطوح تدریس نمود

ایشان از همان طفولیت سیاست را دنبال می‌کردند و در سال ۱۳۴۲ ش قیامی را شروع کردند که

نتیجه اش در بهمن ۱۳۵۷ به تشکیل جمهوری اسلامی در ایران رقم خورد. در زمینه مبارزات سیاسی ایشان خوانندگان محترم، خود، اطلاعات وسیعی دارند که نیاز به ذکر آنها نیست.

سرانجام امام روح الله با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا در خرداد ۱۳۶۸ به لقاء الله پیوست.

### ۱-۸-۴-۲ اساتید

**در فقه و اصول از بزرگانی چون:** حاج سید محمد تقی خوانساری، و سید علی یشربی، شیخ محمد رضا مسجد شاهی، سید میر محمد صادق اصفهانی - جد شهید مظلوم آیه الله بهشتی - آیه الله بروجردی استفاده کردند. ایشان بیشترین بهره را در این علوم از آیه الله العظمی حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی - (قدس الله اسرارهم) - برده اند.

در فلسفه و ریاضیات اساتیدی مانند: سید ابو الحسن رفیعی قزوینی (قدس سره)، و شیخ میرزا علی اکبر حکمی یزدی (قدس سره) به حضرت امام درس داده اند.

در عرفان، استادی که بیشترین تأثیر را بر حضرتش داشته است مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد علی شاه آبادی بوده اند.

و در اخلاق، میرزا جواد ملکی تبریزی (قدس سره) حق استادی بر امامان داشته است.

### ۱-۸-۴-۳ شاگردان

بسیاری از فضیلهای معاصر توفیق درک درس ایشان را داشته اند.

### ۱-۸-۴-۴ آثار

آداب الصلاة، الاجتهاد و التقليد، استصحاب، التعادل و الترجیح، التعلیقہ علی العروۃ الوثقی، الخلل فی الصلاة، الرسائل العشره، الطلب و الإرادة، أنوار الهدایه، تعلیقات علی شرح «فصوص الحکم» و «مصباح الأنس»، رساله نجاه العباد، شرح حدیث جنود عقل و جهل، شرح دعاء السحر، کتاب البیع، مناهج الوصول و...